



نگاهی جامعه‌شناختی بر حرکت صنفی فرهنگیان

محمد رضا زمردی

در چند سال گذشته بحث جامعه‌ی مدنی و نهادینه‌سازی دموکراسی و ترویج و تقویت و توصیه‌کنش‌های دموکراتیک در ایران رشد چشمگیری داشته‌است. توجه و تاکید بسیار به این موضوع در کنار تحقق ناپذیری آرمانهای معطوف به آن، احتمالاً این بحث را برای اهالی اندیشه ملال آور نموده و به توضیح واضح‌تر و تکرار مکررات مانند می‌سازد. لیکن در این نوشتار برای بررسی موضوع مورد تحلیل ناگزیر از ارائه مقدمات و طرح خطوط کلی مبحث مزبور هستیم. اگر چه فقدان روحیه تساهل و تحمل عقیده مخالف و دگراندیشی که خود ریشه در نوعی تفکر سنتی ناهم‌ساز با نوگرایی در بخشی از جامعه یا حاکمیت دارد، پی‌گیری و تحقق منویات دموکراتیک را با اشکالات و موانع اساسی رو به رو ساخت؛ لیکن شوق به آزادی و برابری که از دوران مشروطه در جامعه‌ی ما جان گرفته و ذهنیت ایرانی را مشتاق خود ساخته از یک سو و پیش شرط‌ها و مقتضیات عصر جهانی شدن از دیگر سو، اعتنا به مطالبات مدنی مردم را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بدل ساخته است.

نمی‌توان از نظر پوشیده‌داشت که موج اصلاح‌خواهی اجتماعی که طی دو دهه‌ی گذشته در بسیاری از نواحی جهان اشاعه یافته به شدت تحت تاثیر

انقلابات بزرگ در جوامع غربی و نیز پیشرفت‌خواهی و نوگرایی، که مشخصه‌ی دوران جدید می‌باشد - قرار داشته‌است.

اگر به چگونگی تبدیل مفهوم شرق به جهان سوم و اراده‌ی توسعه‌گرایی‌القایی از سوی کشورهای پیشرفته‌ی غربی توجه کنیم، درک این نکته به آسانی حاصل می‌گردد. علیرغم انتقاداتی که از این اقدام غربیان به عمل

مطالعات فرهنگی
انسانی

فقدان نهادهای مشارکتی به منظور انتقال تقاضاهای توده مردم به دولت مواجه گردد. در واقع جامعه مدنی که وجودش شرط اصلی استقرار دموکراسی است عبارتست از مجموعه ی نهادها، انجمن ها و تشکیلات اجتماعی که وابسته به دولت و قدرت مستقر سیاسی نیستند، اما نقش تعیین کننده ای در صورتبندی قدرت سیاسی ایفاء می کنند و قطع نظر از استقلال از قدرت، امکان اعمال قدرت یا نفوذ بر نهادهای دولتی را نیز دارا می باشند.

یکی از مشکلات شکل گیری و فعالیت نهادهای مدنی حد واسط ملت و حاکمیت در برخی از جوامع در حال توسعه دخالتی است که از بالا توسط دولت یا نیروهای وابسته به آن در تاسیس و تشویق و تقویت این نهادها و سازمان ها اعمال می گردد. اگر چه زمینه ی ظهور و شکوفایی و فضای رقابتی برای این گونه تشکل ها که در واقع حوزه عمومی را سامان می دهند باید توسط حکومت ها فراهم شود، لیکن تلاش برای اشاعه ی این نهادهای مدنی توسط اشخاص و سازمان های وابسته به دولت، با ماهیت اساساً مردمی و مستلزم استقلال چنین نهادهایی منافات دارد. به نظر می رسد که همان حداقل آزادی موجود برای این قسم فعالیت های مدنی بتواند زمینه ی لازم برای سازماندهی افراد و اصناف و گروههای مختلف را حول اهداف و اراده های گوناگون در چارچوب قانون مهیا سازد. بدین سان آزادی (در اینجا مراد آزادی فعالیت های مدنی است) حقی است که به نحو مسالمت آمیز از حاکمیت ستانده می شود و نهادینه سازی دموکراسی به گونه ای خود جوش و از پایین توسط فعالیت غیر فرمایشی و واقعی احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها، اصناف، انجمن ها و سایر سازمان ها غیر دولتی (NGO) تحقق می یابد.

با توجه به این مساله، می توان به تحلیل فعالیت های انجمن صنفی معلمان پرداخت. فرهنگیان از جمله نیروهای اجتماعی تاثیر گذار محسوب می شوند که وسعت و ژرفای نفوذی آنها با هیچ یک از کارکنان دولت قابل مقایسه نیست. قطع نظر از دستاوردها و منافی که ممکن است از رهگذر تحصن ها و سایر صور مخالفت و نافرمانی مدنی برای این قشر فرهنگ ساز و رنجکش به ارمغان آید، می توان حرکت مزبور را تمرینی ارزشمند جهت نیل به دموکراسی و فراگیری ساز و کارهای آن قلمداد کرد. نفس این واقعیت که ساختار فعلی حاکمیت سیاسی مجال شکل گیری چنین حرکت اعتراضی گسترده ای را به دست داده است، اما این روند می تواند برای تمام کسانی که دغدغه ی پی گیری مطالبات مدنی را در این دیار دارند نویدبخش تلقی گردد. با این همه دموکراسی نه یک جامه است که به یک شکل و اندازه بر تمام قامت ها متناسب باشد و نه موهبتی آسمانی که به جامعه ای و ملتی ارزانی دارند، بلکه همین چالش هاست که به واسطه ی آزمون و خطاهای پر شمار راه ناهموار پویندگان این طریق را رفته رفته هموار می سازد.

در پایان ضمن تاکید بر ضرورت اجتناب از ارائه ی تفاسیر خوش بینانه ی صرف از چنین حرکت هایی، باب تفحص و تدقیق و تحلیل را کاملاً باز می دانم. باشد که از منظری جامعه شناختی به چنین جنبش های اجتماعی اعتنای بیشتری شود و علل و عوامل شکل گیری آنها و پیامدهایی که برای نظام اجتماعی دارند بیش از پیش مورد کاوش و شناسایی اهل نظر واقع گردد.



آمده است و نیت آنها را نه مبتنی بر خیزخواهی که بر بهره کشی می دانند، اما نمی توان انکار کرد این فرایند فراگیر جهانی برای جوامع مختلف متضمن برکات و منفعت های پرشماری بوده است.

طبق نظر کلمن "بحران مشارکت از جمله مسائلی است که پیش روی نوسازی در جوامع جهان سومی قرار دارد و هنگامی بروز می کند که جامعه با